



Translate Luna

Clean Luna

Type Chika



T.me/IriSekai

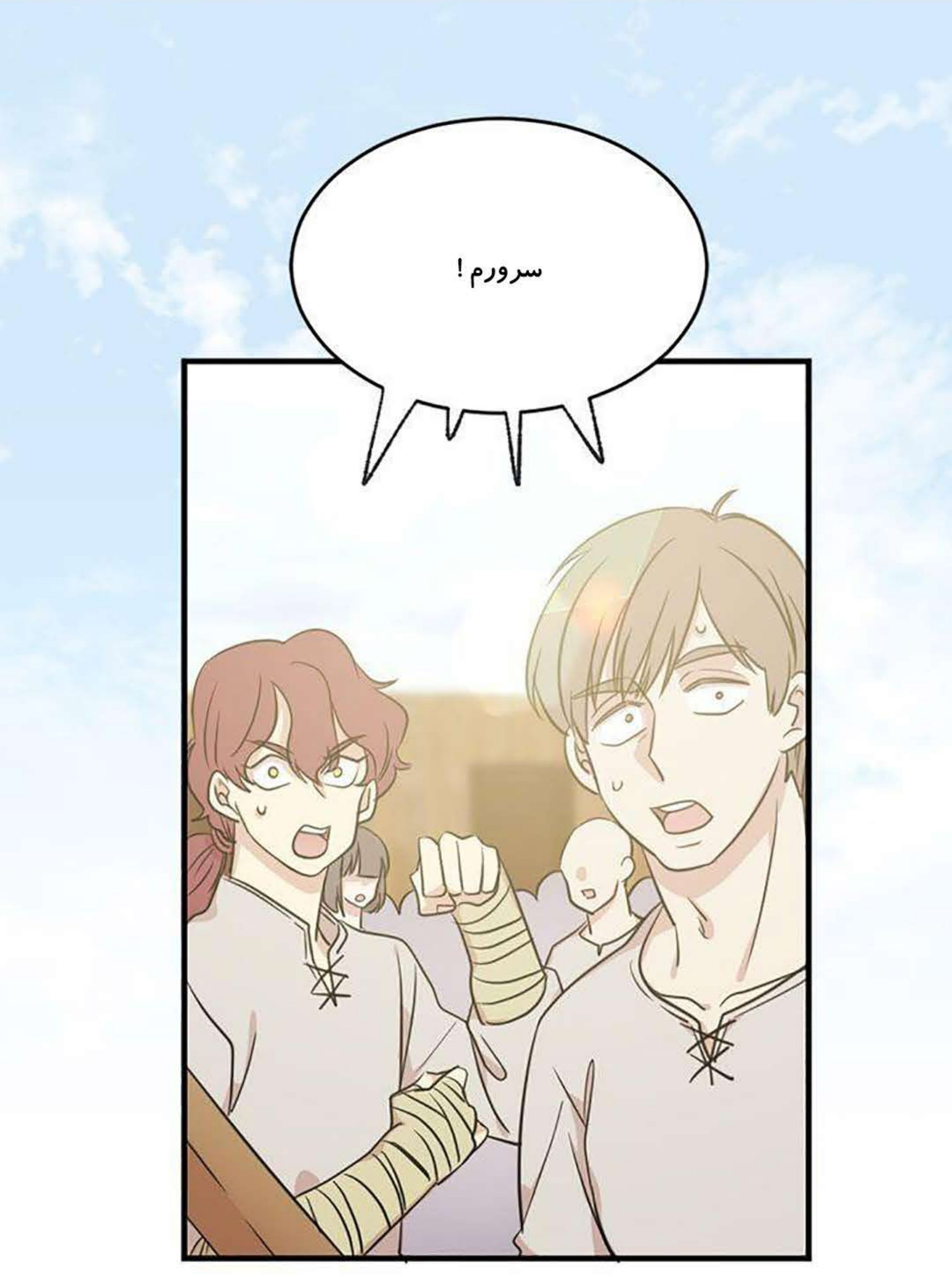
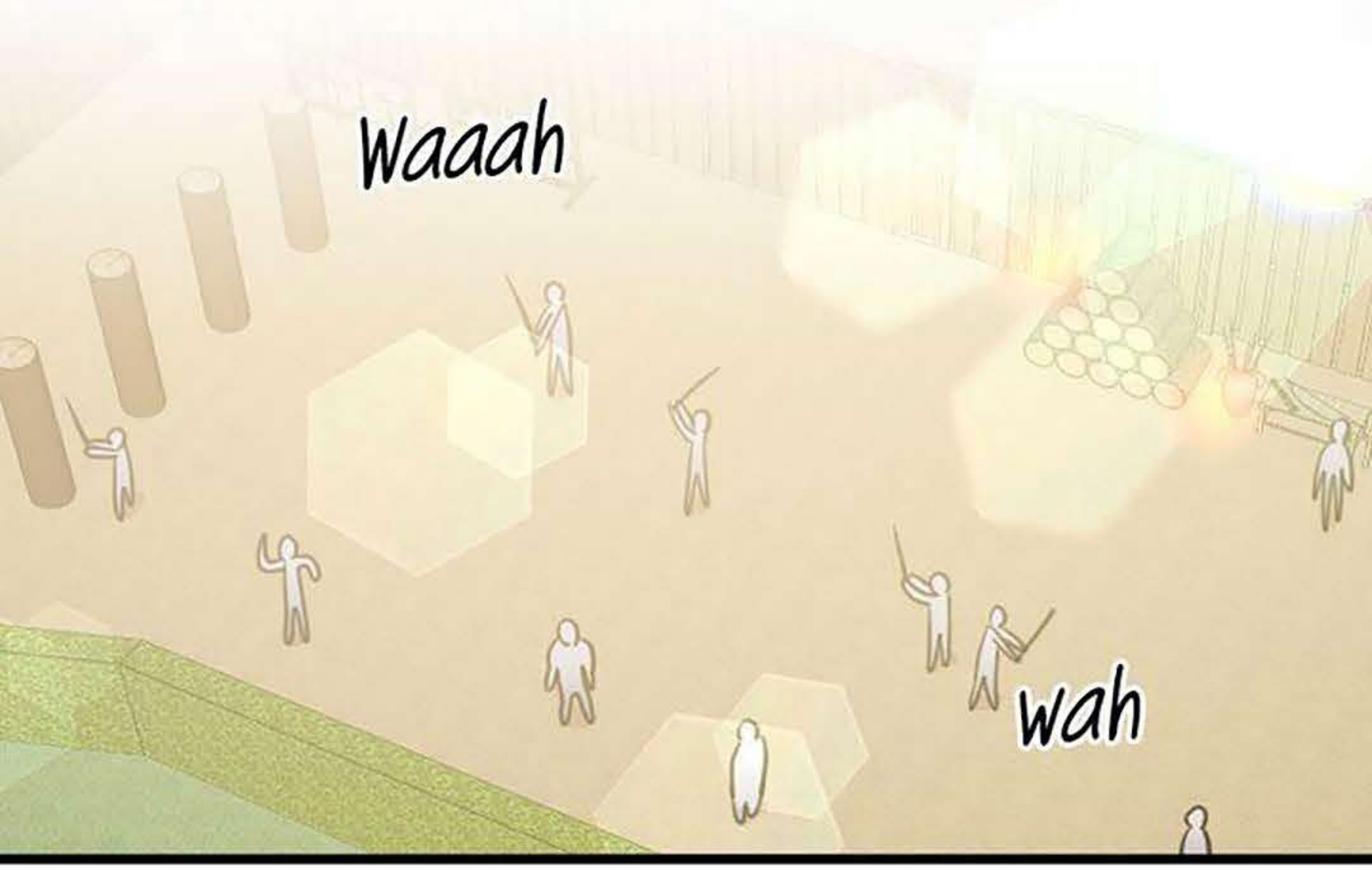
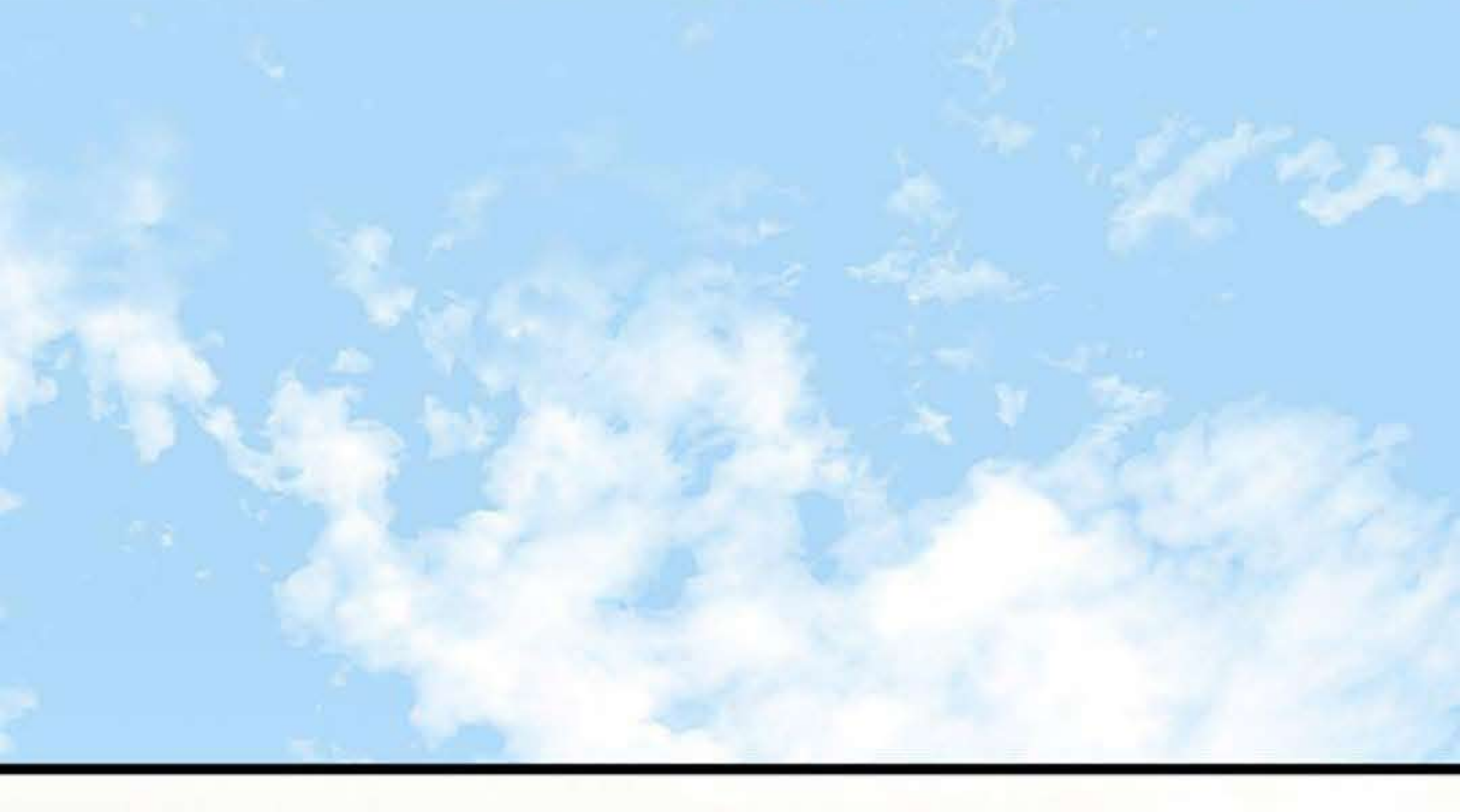


instagram.com/IrisSekai



برای پار دوم با تکنولوژی
جدید گول خوردم ، اما راه دادن
یه همچین آدم خطرناکی
نوی قلعه ...







ولی شما هنوز
کاملاً خوب نشدین .

به اندازه کافی بهبود
پیدا نکردین که شمشیر
دستتون بگیریدین ...



اوو ، پس الان فکر
می کنی خیلی مرد شدی،
دویی خان؟

جنابعالی نگران یه
شوالیه رسمی مثل منی وقتی
خودت چندین و چند سال
سلحشور بودی .

نه ، نه ، این طوی نیست !



WHACK

THUD





یا پشم مقدس!

WHEW

همون طور که انتظار
می رفت سرورم!



ارباب هنوزم می تونه فقط با
عصای چسکیش یه آدمی مثل
تو رو زمین بزنه!

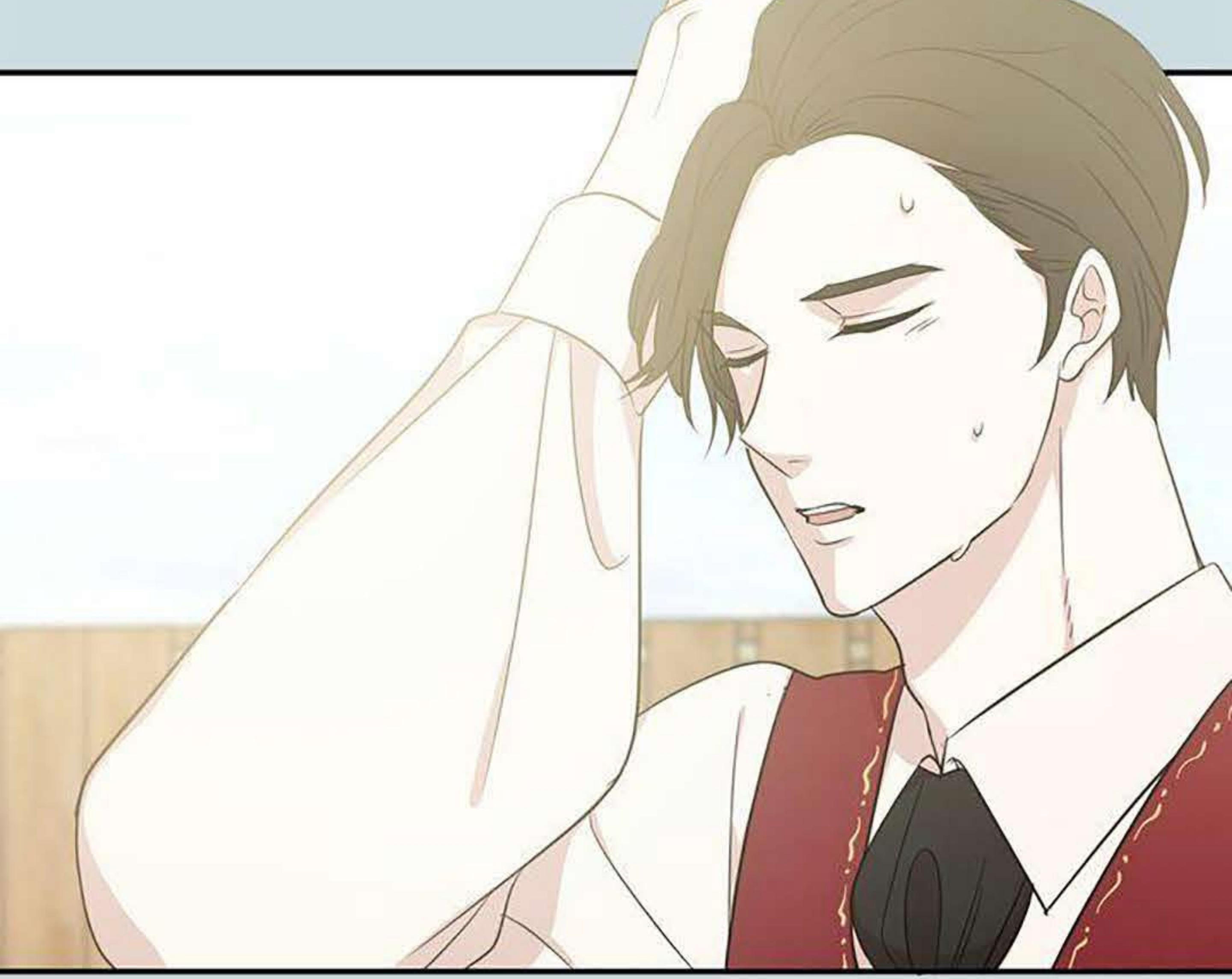
DIZZY

DIZZY

من ... من
شکر خوردم ...



شوالیه های دیهاس همیشه
مثل خانواده ادوارد بودن.



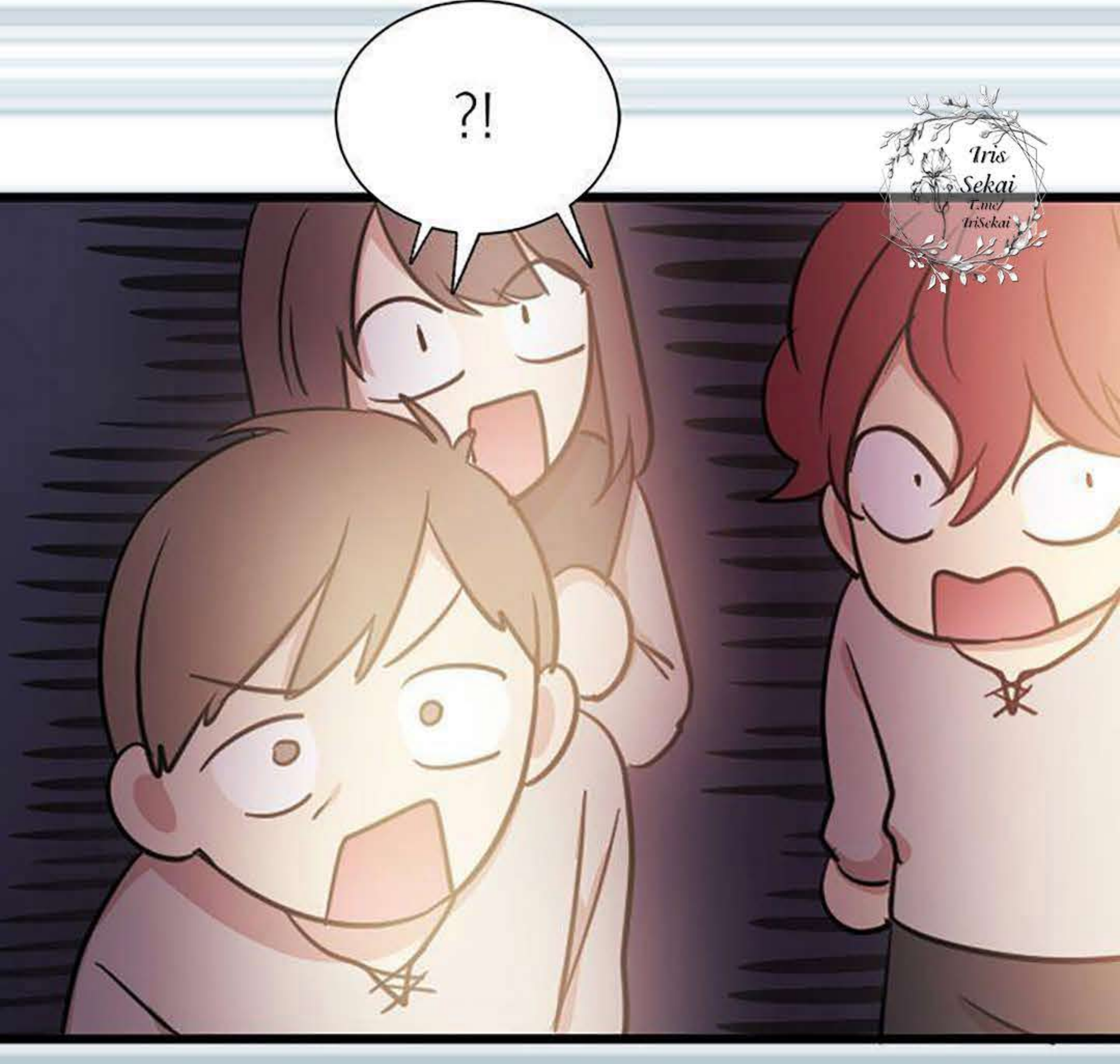
تنها جایی که ادوارد وظایفش رو
به عنوان ارباب فراموش می کنه ...

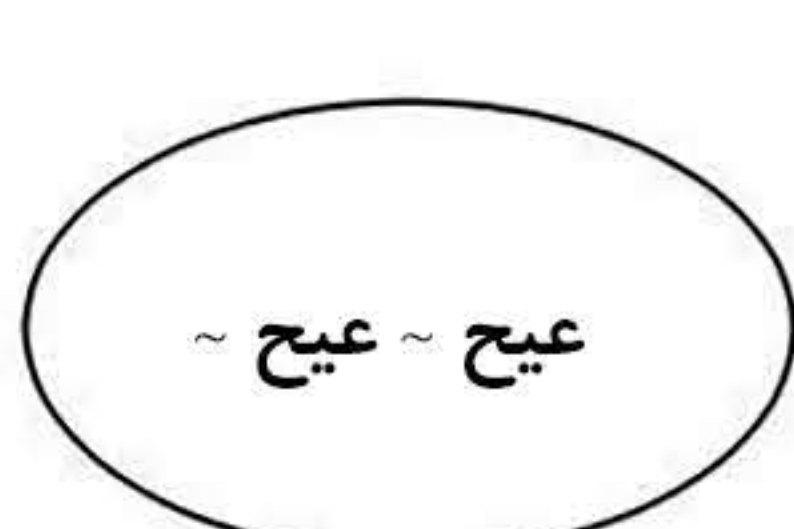


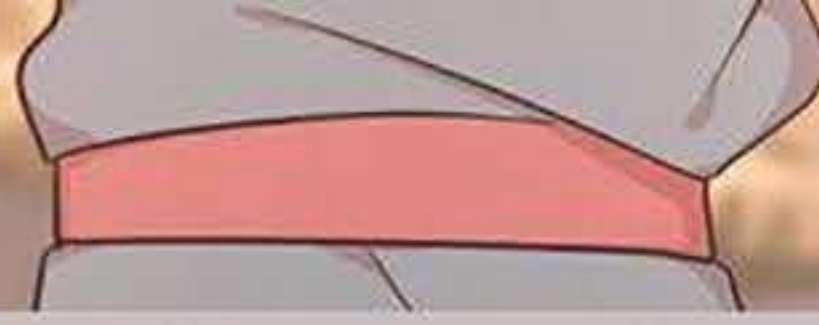
... و احساس می‌کنه هنوزم به شوالیه
با یارهای جوون و همسن خودشه .

و در نتیجه ، وقتی ادوارد با
شوالیه‌ها تمرین می‌کنه ،

هیچکس توی قلعه مزاحمش نمی‌شه ...







صبح ...
آسیب ریم ...



همون طور که فکر
می کردم ، موقع افزایش اندازه
یه مشکلاتی پیش میاد .



نگران نباش ، فکر کن !

یه نقشه جدید کشیدم ~
به جای کیفیت می ریم سراغ
کمیت !



یا خدا ...



دستت طلا ~

نه بابا کاری نکردم .
هر وقت باهام کار داشتی
تعارف نکن ♡



clank

(خیلی سریع)

بعد از اینکه کارت
تموم شد اینو کنار همین
یکی بشور!

...

فوق العاده‌ست!
تو رو خدا این لباسای
شسته رو ببین!...



پس تکنولوژی
مدرن این‌طوره!...



لونا : قیافه رینو خداس

شنیدم کارای رختشویی
به لطف اون یارو تکنسینه
آسون تر شده .

گفته برای آشپزخونه هم
یه چیزی درست می کنه ، اگه
اجازه بدن اینجا بمونه .

خیلی خوب می شه
اگه اینجا بمونه ~

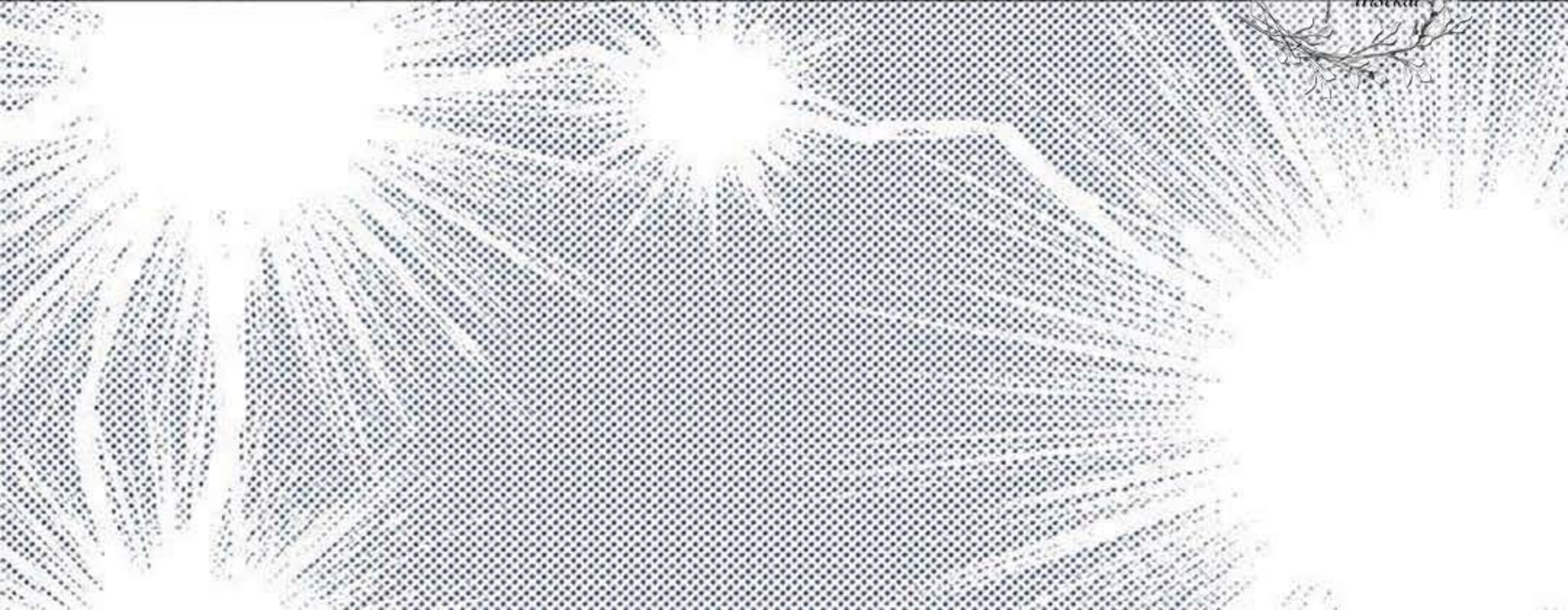
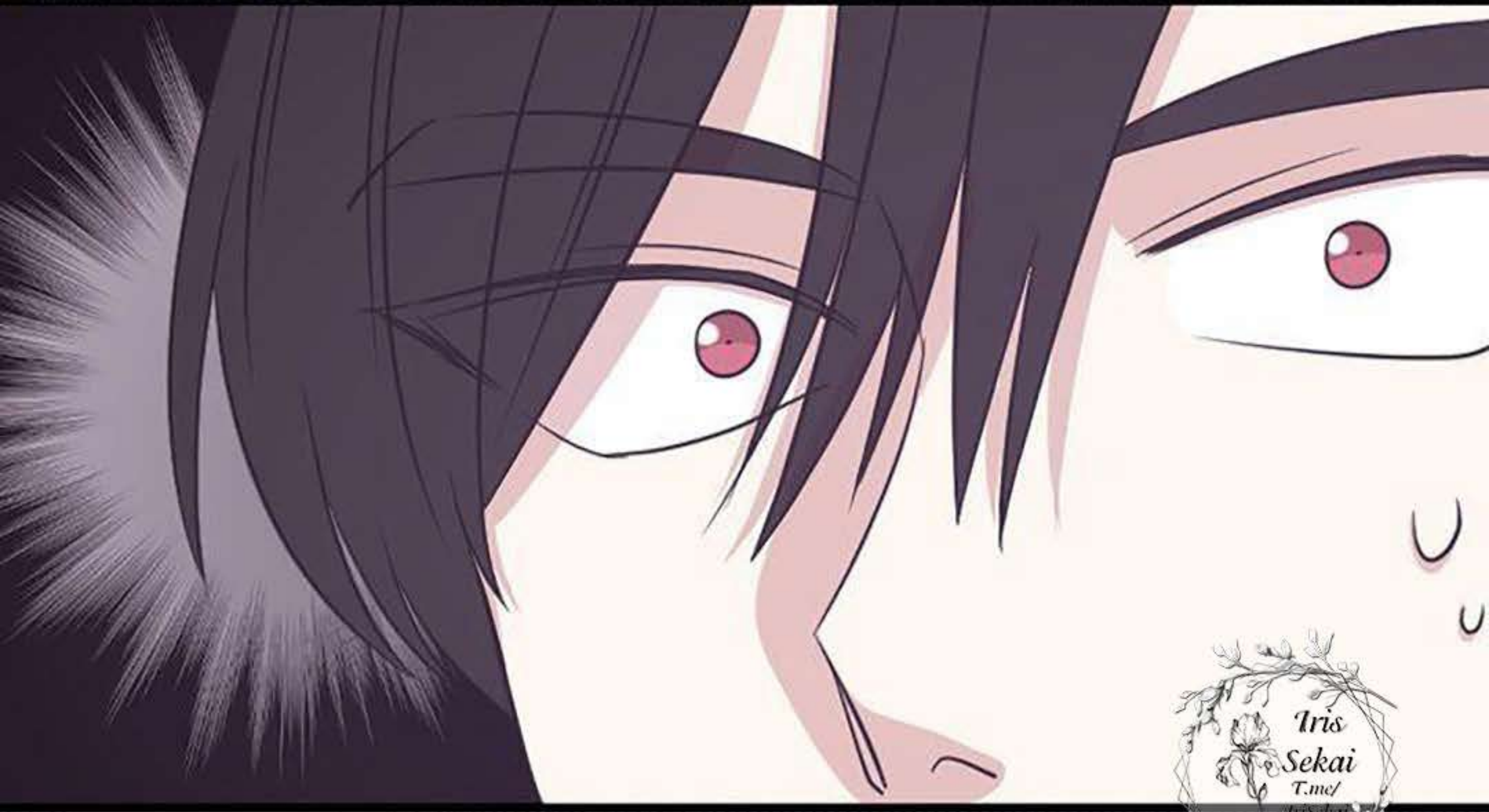
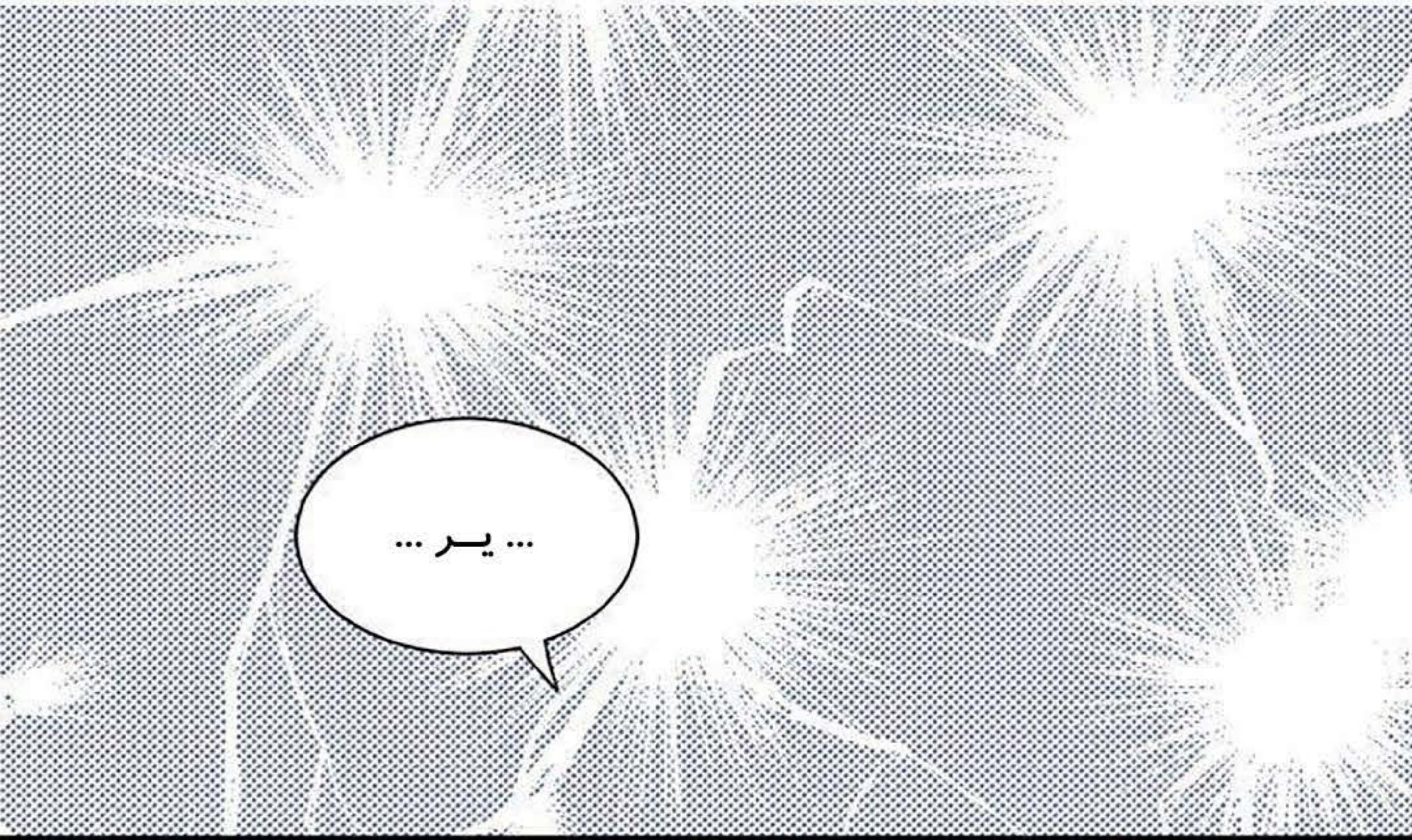
...

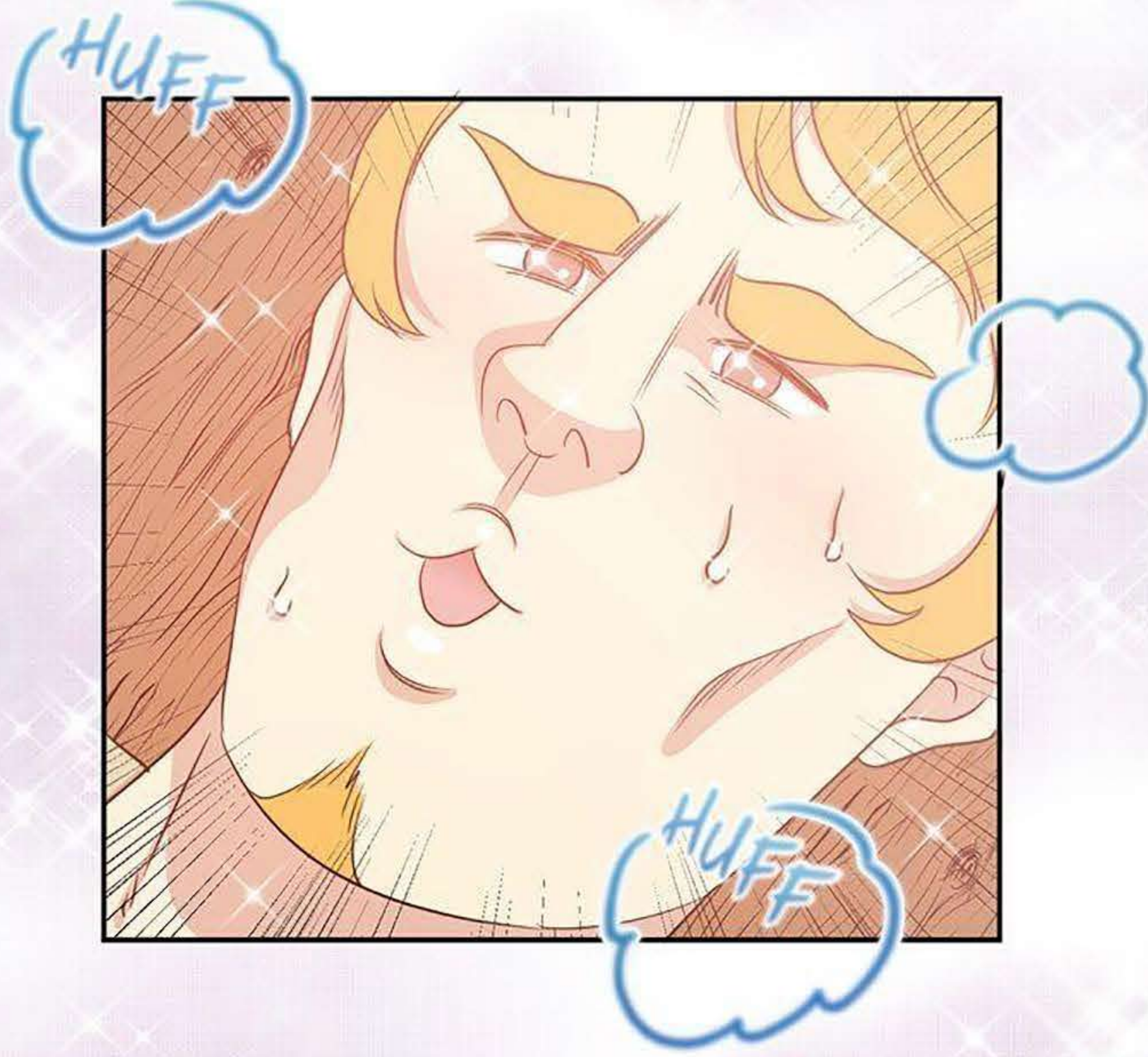
اون هنوزم یه
موجود خطرناکه .

نمی تونم
فراموش کنم چه
پلاپی سر پام
اومد ...

زمین تعریض

صبح بخ ...

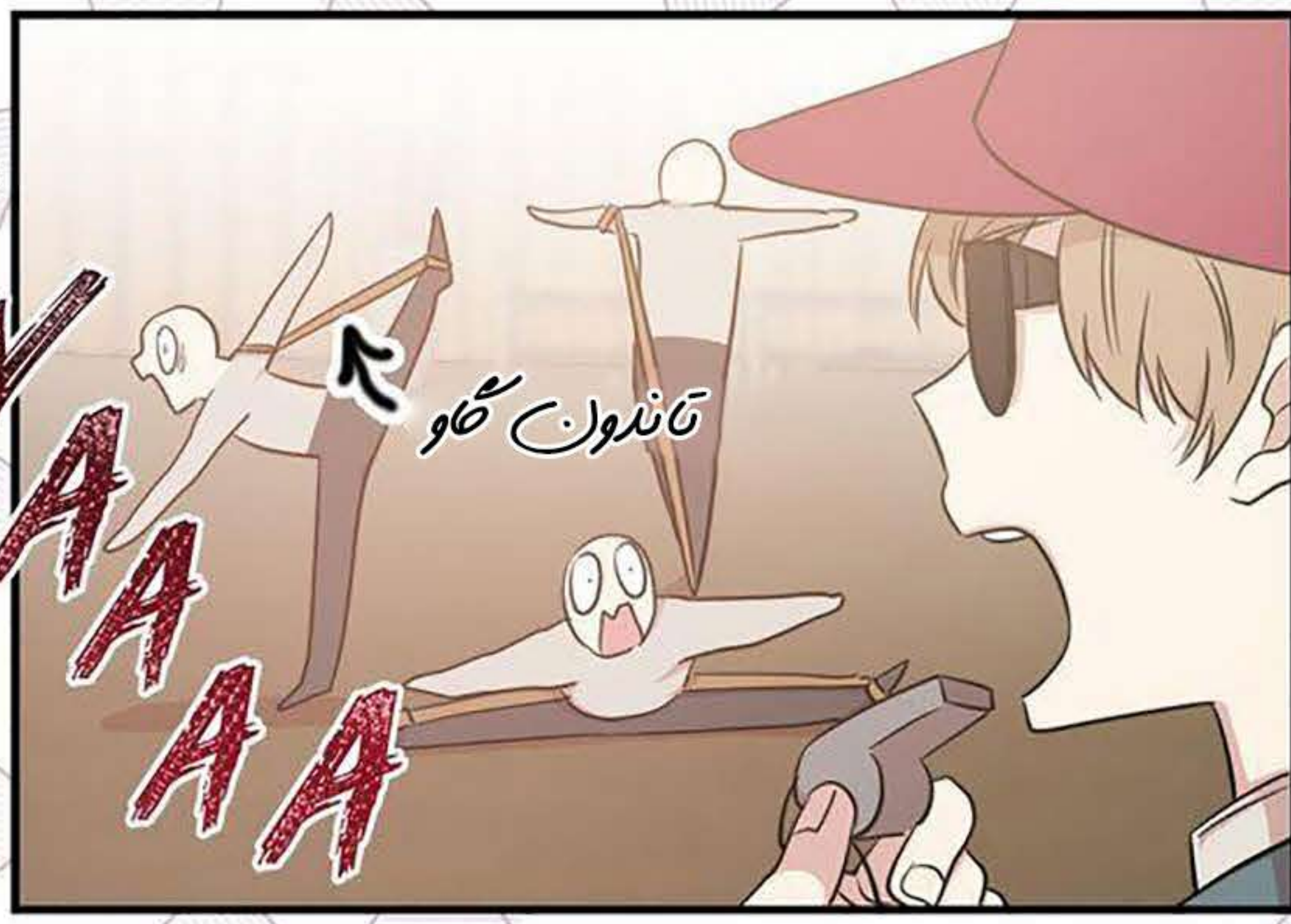






بعد از بدنسازی ،
کشش عضله ها خیلی
مهمه !~

بریم سر تمرینای
کششی !~



به مولا اون ماشینا
خیلی خفنن حاجی .



نگاه کن ، با اینکه یه روز
گذشته عضله هام بزرگ تر
نشدن ؟

از این فسقلی خوشم میاد !



من فکر می کردم تو
یه بچه دماغویی ، ولی الان
فهمیدم که تو یه مرد
واقعی هستی !

هی ، امیدوارم تو
قلعه ما بمونی !





دلّت پسونزه ادوارد !!

در این لحظه ادوارد
متوجه شد که ...

... می‌خواست دنیای
جدیدی رو ببینه که این بچه
می‌تونه نشونش بده ،

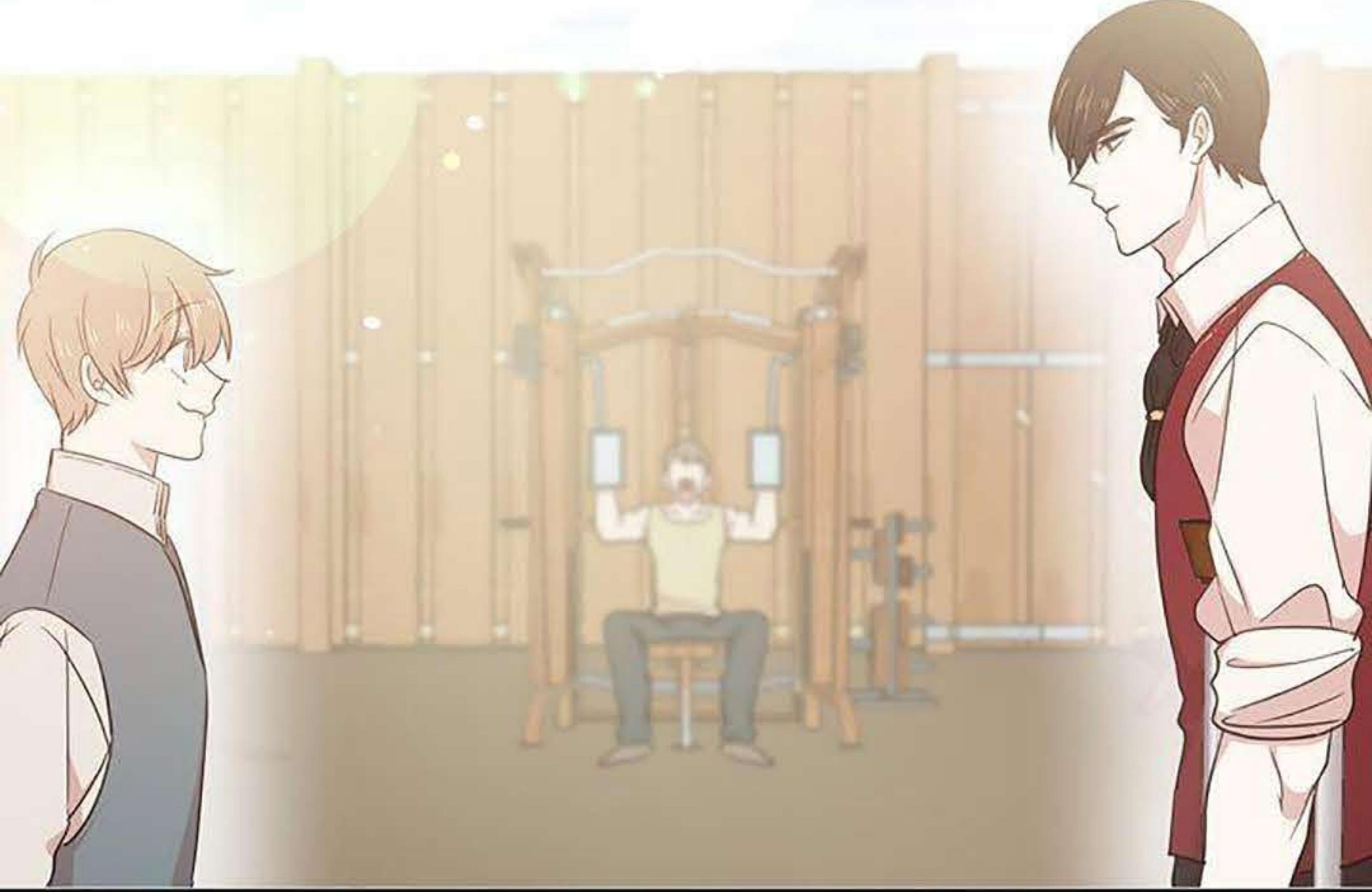




اما ...

این آدمی کنار
ادوارد بود ...

شبهه کسانی که ادوارد
قبلا دیده بود ، نبود .



این یکی یه نژاد جدید از انسانها بود .

To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS

